

تبیین عوامل انگیزشی رزمندگان در انجام جهاد بر اساس دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه

علیرضا شیرزاد*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف استخراج عوامل انگیزشی بیان شده در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه (دعای مرزداران) و نیز تبیین و تحلیل هریک از آن عوامل بر اساس آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام نگاشته شده است. روش بکار رفته در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده است که با این روش گزاره هایی که در دعای بیست و هفتم صحیفه در تحریک رزمندگان نسبت به انجام جهاد مؤثر بوده کشف و دسته بندی شده و در مرحله بعد، این گزاره های انگیزشی بوسیله آیات و روایات مرتبط با آنها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که «یقین به پاداش های اخروی جهاد» که بیان اجر شهدا در روز قیامت است می تواند از عوامل تقویت کننده انگیزه جهاد باشد، همچنین «ضعیفانگاری دشمن» که با کم نشان دادن تعداد آنها و نیز کوچک انگاری جایگاه آنها صورت می پذیرد از دیگر عوامل تقویت کننده انگیزه رزمندگان است و درنهایت «فراموش نمودن دنیا فریبند» که شامل یاد اموال انسان و نیز یاد همسر و فرزندان می باشد به عنوان دیگر عامل انگیزشی در مسیر انجام جهاد می باشد.

واژگان کلیدی

روایات تفسیری، روایات امام هادی علیهم السلام، احترام اهل کتاب.

مقدمه

یکی از مسائلی که در حوزه روان‌شناسی نظامی بایستی به آن توجه نمود، به کاربردن عوامل انگیزشی در تحریک رزمندگان، پیش از آغاز نبرد و یا در میدان نبرد است. اصولاً مباحث انگیزشی در صدد آن است که عملت و یا به عبارت دیگر، هدف رفتارهای متفاوت انسان را در شرایط مختلف تبیین نموده و همچنین با به کار بردن شیوه‌هایی، انگیزه برخی از رفتارهای انسان را افزایش و یا از آن بکاهد. مباحث انگیزش رفتار، در منابع اسلامی نیز گاهی به صورت مستقیم و با کلیدواژه‌هایی همچون حث، تحریض، حض، اثارة و بعث عنوان گردیده و گاهی به صورت غیرمستقیم بیان شده است که آیات دلالت‌کننده بر پاداش و تنبیه و نیز آیاتی که بر سبقت در خیرات دلالت دارند نمونه‌ای از آنهاست. این واژه‌های غیرمستقیم اگرچه خود، بار انگیزشی ندارند اما در بافت معناشناختی قرآن، معنای انگیزشی از آنها استنبط می‌شود.^۱ به جهت کارکرد بسیار مباحث انگیزشی نمی‌توان از بهره بردن از آن در عرصه‌های نظامی غافل شد. اهمیت مسئله انگیزه‌سازی در عرصه‌های نبرد و جهاد تا آنجاست که تنها موردی که خداوند متعال در قرآن کریم به صورت مستقیم به پیامبر خویش دستور به انگیزه‌سازی در مؤمنان می‌دهد، عرصه قتال و جنگ با دشمنان الهی است:

يَا أَيُّهَا الَّٰهِ يُحَمِّلُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَعْلَمُوْا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَعْلَمُوْا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَقْتَهُونَ^۲

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چراکه آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند!

جالب‌تر آن است که خداوند متعال در ادامه همین آیه، خود نیز سخنانی را بیان نموده که به‌نوعی انگیزه مؤمنان را به جهاد افزایش داده و با بیان قدرت شگفت انگیزه مؤمنان در برابر کفار، این تحریک انگیزه به خوبی انجام شده است.

اما آنچه که مسئله اصلی این پژوهش است صرفاً پرداختن به عوامل انگیزشی در منابع اسلامی نیست بلکه پرداختن به عوامل انگیزشی موجود در دعای بیست و هفتم صحیفه شریفه سجادیه است که دعایی در حق مرزداران و نیز رزمندگان اسلامی است که دارای محتواهای بلند و آموزه‌هایی بدیع در عرصه‌های نظامی است. برخلاف تصور عده‌ای از مردم، صحیفه سجادیه یک کتاب صرفاً اخلاقی و

۱. کاویانی، *روان‌شناسی در قرآن*، ص ۸۸

۲. انفال / ۵۶

مناجاتی نیست بلکه دقت در عبارات آن، ما را به این امر رهنمون می‌کند که امام سجاد^{علیه السلام} در قالب دعا مفاهیم عمیق و کاربردی را پیرامون مسائل مختلف جامعه همچون عرصه دفاعی بیان نموده اند که نیازمند پژوهش‌های بیشتر در این زمینه است که نوشتار حاضر گامی در تحقق این هدف است. به همین جهت در پژوهش حاضر، سه عاملی که در تقویت و تضعیف انگیز انجام جهاد نقش داشته‌اند از دعای بیست و هفتم صحیفه استخراج شده و به تبیین و تحلیل آنها از منظر آیات قرآن و کتب حدیثی پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق و وجه نواوری

در میان کتاب‌ها و مقالات انتشاریافته، نوشتاری که به شیوه‌های انگیزشی در عرصه نظامی با توجه به دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه اشاره نموده باشد، یافت نشد اما مقالاتی وجود دارد که در زمینه‌های مرتبط با آن نگاشته شده است.

- «دکترین و سیاست‌های دفاعی امنیتی در صحیفه سجادیه» اثر بهرام اخوان کاظمی که در شماره ۶۱ مجله سیاست دفاعی به چاپ رسیده است به بررسی مفهوم امنیت و آموزه‌های دفاعی در آرای امام چهارم پرداخته است. نویسنده در این مقاله معتقد است که صحیفه سجادیه به ویژه دعای بیست و هفتم آن شامل دکترین و آموزه‌های دفاعی - امنیتی بسیار منسجم و کمنظیری است که با رویکرد ظلم‌ستیزانه و در عین عدم تأیید حکومت‌های جائز وقت بیان شده و امروزه نیز می‌توان بدان آموزه‌ها اتکا و استناد نمود.^۱

- «تحلیل هرمنوتیک عملیات روانی در عصر نبوت پیامبر اسلام^{صلوات الله علیه و آله و سلم}» نوشه مهدی رشیدی و داود آذر، مقاله دیگری است که در شماره ۳۲ فصلنامه علوم و فنون نظامی به چاپ رسیده است. نویسنده‌ان در این نوشتار، معتقد‌اند که در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که تلاش دارد روحیه مسلمانان را در صحنه نبرد بالا برد که بخشی از این آیات در مقام پاسخ‌گویی به عملیات روانی دشمن بوده و در صدد است آن را خنثی نماید. و بخش دیگری از آیات نیز که جنبه تعریضی دارد می‌خواهد روحیه طرف مقابل را مورد تأثیر قرار داده و وادار به تسليم نماید.^۲

- «رهیافتی اسلامی در مفهوم‌سازی بنیادی عملیات روانی» دیگر مقاله‌ای است که توسط حسین محمدی‌سیرت و سید مهدی موسی‌نیا در شماره ۲۵ فصلنامه روان‌شناسی نظامی به چاپ رسیده است.

۱. اخوان کاظمی، «دکترین و سیاست‌های دفاعی امنیتی در صحیفه سجادیه»، مجله سیاست دفاعی، ش ۶۱، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹ - ۱۵۲.

۲. رشیدی و آذر «تحلیل هرمنوتیک عملیات روانی در عصر نبوت پیامبر اسلام^{صلوات الله علیه و آله و سلم}»، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ش ۳۲، ۱۳۹۴، ص ۹۹ - ۱۲۰.

نویسنده‌گان با ذکر موارد و انواع عملیات روانی در سیره نظامی امیرالمؤمنین عليه السلام در سه بازه پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ، مقوله‌های اساسی عملیات روانی در سیره حضرت را بر شمردند. این مقوله‌ها عبارتند از: نگرش منطقی، نمادسازی و نمادسوزی، توجه به ظرفیت‌های اجتماعی، نفوذ عاطفی، خلق انفعال در جبهه مقابل، ظرفیت‌آفرینی داخلی و موضع‌گیری فعال.^۱

همچنان که ملاحظه گردید مقالات چاپ شده در زمینه‌های مرتبط بحث، یا به صورت کلی به دکترین دفاعی و امنیتی در کلام امام سجاد عليه السلام پرداخته‌اند و یا به صورت عام به مفهوم عملیات روانی اشاره نموده‌اند که ترددنده‌ای است که علاوه بر رزم‌ندگان مسلمان، بر لشگریان دشمن نیز اثر می‌گذارد. در نتیجه هیچ کدام از مقالات به صورت خاص به استخراج این عوامل انگیزشی در رزم‌ندگان مسلمان، آن‌هم بر اساس دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه و نیز تبیین قرآنی و روایی آنها پرداخته‌اند که مقاله حاضر عهده‌دار آن می‌باشد. همچنین یکی دیگر از نوآوری‌های این نوشتار، پرداختن به برخی عوامل تضعیف‌کننده انگیزش در میدان جهاد است که عامل تمایزی دیگر با مقالات چاپ شده در این زمینه است.

یقین به پاداش‌های اخروی جهاد

یکی از عواملی که می‌تواند چه پیش از آغاز جنگ و چه در حین آن، به رزم‌ندگان انگیزه دهد بیان پاداش‌هایی است در انتظار جهادگران در راه خدا. آیات و روایات بسیاری به وجود چنین پاداش‌هایی در آخرت اشاره دارد. بنا بر روایتی از امیرالمؤمنین عليه السلام، ثواب جهاد بزرگترین ثواب‌هاست.^۲ بدون تردید هنگام جهاد با دشمن که با مشاهده جراحت‌ها و کشته شدن یاران و دوستان همراه است لحظات دشواری است که جز با وجود یک نیروی انگیزشی قوی نمی‌توان از این آزمون سخت الهی سربلند بیرون آمد. به این نیروی انگیزشی یعنی ثواب‌های اخروی جهاد در راه خدا، در دعای بیست و هفتم صحیفه مبارکه سجادیه اشاره شده است که اتفاقاً در فرازهای ابتدایی این دعای شریف است:

وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصْبَ أَعْيُنِهِمْ، وَلَوْحَ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِنَ الْخَلْدِ وَمَنَازِلَ الْكَرَامَةِ وَالْحُورِ الْجِسَانِ وَالْأَنْهَارِ الْمُطَرَّدَةِ يَأْتُواعَ الْأَشْرَبَةِ وَالْأَشْجَارِ الْمُنَدَّلِيَّةِ بِصُنُوفِ الشَّمَرِ حَتَّىٰ لَا يَبْهُمَ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِاللَّادِبَارِ، وَلَا يُحَدِّثَ نَفْسَهُ عَنْ قِرْبِهِ بِفَرَارِ.^۳

و بهشت را برابر چشمانشان قرار ده، و از آن بهشت آنچه آمده ساخته‌ای از خانه‌های

۱. محمدی سیرت و موسی‌نیا، «رهیافتی اسلامی در مفهوم‌سازی بنیادی عملیات روانی»، فصلنامه روانشناسی نظامی، ش ۲۵، ۱۳۹۵، ص ۹۴ - ۶۷.
 ۲. تمیمی آمدی، *خورالحكم*، ص ۳۳۳.
 ۳. *الصحیفه السجادیه*، ص ۱۲۶.

جاودانه و سراهای ارجمند و زن‌های زیبا و نهرهایی که به آشامیدنی‌های گوناگون روان شده و درخت‌هایی که با انواع میوه‌ها خم گشته جلو چشمشان نمایان کن تا کسی از ایشان آهنگ روی برگرداندن (از دشمن) نکند و گریختن از (برابر) مانند خود را با خویش گفتگو ننماید.

این فراز از دعای زین‌العابدین^{علیه السلام} ما را به اصولی رهنمون کرده که می‌تواند استفاده از این شیوه انگیزشی را اثرگذارتر نماید. زیرا شاید ابتدا آنچه که به اذهان متبار می‌شود این بوده که عموم رزمندگان از پاداش‌های جهاد و شهادت آگاه هستند و لزومی به بیان دوباره آن نیست. درصورتی که آنچه امام^{علیه السلام} در این فراز، مانع گریختن از دشمن دانسته است، فراتر از یک یادآوری معمولی نسبت به اجر و پاداش جهاد است. زیرا با دقت در این فراز از دعای بیست و هفت می‌توان قواعد و اصول زیر را در استفاده از این شیوه استخراج نمود:

۱. ایجاد یقین در رزمندگان

امام سجاد^{علیه السلام}، در این دعا از خداوند متعال می‌خواهد که نعمات بهشتی «نصب العین» رزمندگان اسلام قرار گرفته تا آنچاکه گویا این پاداش‌های بهشتی خود را با چشم خویش مشاهده می‌کنند. این گونه مشاهده قیامت از همان سنخی است که در سوره تکاثر به آن اشاره شده است:

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوْنَ الْجَحَيمَ^۱

نه، باز تأکید می‌کنم که اگر به علم یقین برسید آن وقت دوزخ را خواهید دید.

مراد از دیدن جحیم یا دوزخ در این آیه، دیدن آن در دنیا و قبل از قیامت و به چشم بصیرت است که همان رؤیت قلبی است که از آثار علم یقین است.^۲ در نتیجه می‌توان گفت که تنها وصف بهشت و دوزخ به عنوان ثواب و عقاب اعمال، کافی نبوده و برای نفوذ بیشتر در مخاطب بایستی در او یقین به دادن ثواب و عقاب در روز قیامت را ایجاد نمود.

یقین دارای مراتبی همچون علم یقین، عین یقین و حق یقین است که اولین مرتبه آن «علم یقین» می‌باشد که همان رؤیت قلبی و نه عینی آثار قیامت است که در آیات ذکر شده به آن اشاره شده است. همچنین امام سجاد^{علیه السلام} عدم وجود چنین یقینی را سبب فرار از دشمنان می‌داند که برای برطرف نمودن چنین معضلی در مسیر جهاد نیز محتاج ایجاد یقین به وعده‌های الهی در رزمندگان هستیم

۱. تکاثر / ۶ - ۵.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۲۰، ص ۳۵۲.

به همین جهت در روایات، یکی از آثار یقین، عدم ترس از غیرخداوند عنوان شده است^۱ و^۲ در نتیجه ایجاد یقین در افراد در امور نظامی از اهمیت بالایی برخوردار است.

اما برای اینکه بدانیم که یقین به موردی خاص در انسان ایجاد شده است یا خیر ابتدا باید مؤلفه های یقین را شناخته و سپس آن مؤلفه ها را به عنوان نشانه های یقین در وجود افراد در نظر گرفت. در نتیجه ابتدا تعریف واژه «یقین» از منظر لغت شناسان بیان شده و در مرحله بعد با توجه به این تعاریف به استخراج مؤلفه های آن پرداخته خواهد شد.

فراهیدی، ابن منظور و حسینی زبیدی یقین را به «از بین رفتن شک» و «تحقیق مورد یقین» تعریف نموده اند با این تفاوت که زبیدی «اعتقاد به عدم تحقق نقیض آن» را نیز از مؤلفه های یقین دانسته است.^۳ عسکری، راغب اصفهانی و به تبع آنها مصطفوی از لغتشناسانی بودند که به بُعد روانی و هیجانی یقین نیز در تعریف خود اشاره نموده و از تعبیر «سکون النفس» به جهت بیان آرامش و اطمینانی که از یقین در دل انسان ایجاد می گردد استفاده نمودند.^۴ در نتیجه با توجه به تعاریف ذکر شده می توان مؤلفه شناختی «اعتقاد راسخ و عاری از شک و تردید» و مؤلفه هیجانی «آرامش قلبی» را دو مؤلفه یقین بر شمرد. در نتیجه وجود دو نشانه فوق نسبت به پاداش جهاد در رزمندگان می تواند حاکی از وجود یقین در آنها بوده و در نتیجه به اراده آنها در مبارزه با دشمنان بیفزاید.

۲. بیان توصیفات برانگیزاننده

همچنان که در این فراز از دعای بیست و هفتم مشاهده شد، زین العابدین^۵ صرفاً به بیان عنوان پاداش های بهشتی اکتفا نکرده و هر کدام را با صفاتی تهییج کننده همراه نموده است:

۱. کلینی، *الكافی*، ج ۲، ص ۵۷.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَلَهُ حَدٌ. قَالَ: قُلْتُ جُعْلْتُ فِدَاكَ فَمَا حَدُ التَّوْكِلُ. قَالَ: الْيَقِينُ. قُلْتُ فَمَا حَدُ الْيَقِينُ. قَالَ: أَلَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ شَيْئًا.

۳. فراهیدی، *كتاب العین*، ج ۵ ص ۳۲۰؛ ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱۳، ص ۴۵۷؛ حسینی زبیدی، *تاج العروس*، ج ۱۴، ص ۵۹۶.
۴ فراهیدی: *الیقین*، و هو إزاحة الشك؛ ابن منظور: *الیقین*: *العلم* و *إزاحة الشك* و *تحقيق الأمر*؛ حسینی زبیدی: *الیقین*: *إزاحة الشك* و *العلم* و *تحقيق الأمر*، و *نقيضه الشك*؛ و في الاصطلاح: *اعتقاد الشيء* بأنه كذا مع اعتقاد أنه لا يمكن إلأى كذا مطابقاً للواقع غير ممكناً الزوال.

۵. عسکری، *الفرقون فی اللغة*، ص ۶۳؛ راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۸۹۲؛ مصطفوی، *التحقيق فی الكلمات القرآن الكريم*، ج ۱۴، ص ۲۶۳.

۶ عسکری: *الیقین* هو سکون النفس و ثلث الصدر بما علم؛ راغب اصفهانی: هو سکون الفهم مع ثبات الحكم؛ مصطفوی: التحقيق أن الأصل الواحد في المادة: هو العلم الثابت في النفس بحيث لا يقبل الشك و فيه سکون للنفس و طمأنينة.

خانه‌های جاودانه و سراهای ارجمند و زن‌های زیبا و نهرهایی که به آشامیدنی‌های گوناگون روان شده و درخت‌هایی که با انواع میوه‌ها خم گشته.^۱

این نوع تصویرسازی امام سجاد^{علیه السلام} از نعمات بهشتی که با قوه خیال انسان ارتباط برقرار می‌کند می‌تواند مانند یک اثر هنری زیبا در روح و جان آدمی اثرگذار باشد.

اصولاً شیوه قرآن کریم در بیان نعمات بهشتی نیز همین‌گونه است. نمونه برجسته آن را می‌توان در سوره مبارکه «واقعه» مشاهده نمود که سراسر آن، تصویرپردازی اوضاع بهشت و جهنم است. این نوع تجسم نعمات و تمثیلات قرآنی آنقدر در نفووس شنونده نفوذ نموده که او فراموش می‌کند که در حال استماع کلامی است بلکه در خیال خود در حال مشاهده آن تصاویر بیان شده می‌باشد.^۲ از این‌رو مشاهده می‌شود که برخی از قرآن‌پژوهان کتاب‌هایی در بررسی اسلوب هنری این آیات نگاشته‌اند که کتاب *التصویر الفنى فى القرآن* اثر سید قطب که با عنوان *نمایش هنری در قرآن* به فارسی ترجمه شده است نمونه‌ای از آنهاست.

در نتیجه با توجه به فراز آغازین امام سجاد^{علیه السلام} در دعای بيست و هفتم، می‌توان بیان نمود که بیان اجر و پاداش برای تحریک انگیزه در مسیر جهاد بایستی با هنرمندی همراه باشد به گونه‌ای که مخاطب بتواند از اوصاف ذکر شده در مورد پاداش بهشتی، تصاویر خوشایندی در ذهن خویش مجسم نماید و در نهایت سبب ایجاد یقین در رزمندگان شود که این یقین نیز بدون هیچ شک و تردید و همراه با آرامش قلبی نسبت به آن وعده‌هاست.

ضعیف انکاری دشمن

یکی دیگر از فرازهای دعای بيست و هفتم صحيفه سجاديه — که می‌توان از آن به عنوان یکی از اسلوب‌های تحریک انگیزه در جهاد و مبارزه از آن استفاده نمود — این عبارت است:

فَإِذَا صَافَّ عَدُوكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلْلُهُمْ فِي عَيْنِهِ، وَ صَرَّ شَأْنُهُمْ فِي قَلْبِهِ.^۳

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش رو برو شد دشمن را در برابرش کم جلوه بده و مقامشان را در دلش کوچک‌ساز

نمی‌توان انکار کرد که در تعدادی از مبارزات لشکریان اسلام — که نمونه‌های آن را می‌توان در

۱. *الصحیفه السجادیه*، ص ۱۲۶.

۲. معرفت، *التمهید*، ج ۵، ص ۳۴۶.

۳. علی بن الحسین *بن بشیر*، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲.

جنگ‌های صدر اسلام مشاهده نمود - یکی از عواملی که می‌تواند دل‌های رزمندگان اسلام را در برابر دشمن بلرزاند، فرونی نفرات و یا توصیفاتی است که از قدرت آنها در اذهان رزمندگان وجود دارد. به همین جهت یکی از تاکتیک‌های روان‌شناختی - نظامی که می‌تواند در تقویت انگیزه سربازان مؤثر واقع شود، ضعیف انگاشتن دشمن از طریق قلیل شمردن تعداد آنها و نیز کوچک نشان دادن جایگاه آنها در ذهن آنهاست. این شیوه را می‌توان یکی از شیوه‌های قرآن کریم در تحریک انگیزه مسلمانان صدر اسلام در مبارزه علیه دشمنان الهی دانست. در ادامه به دو نمونه از آنها اشاره شده و با تبیین هریک، اصول استفاده از این شیوه انگیزه در عرصه جهاد و مبارزه بیان خواهد شد.

نمونه اول: در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال انسان را از دشمنی شیطان بر حذر داشته است. در نه آیه از آیات قرآن کریم شیطان به عنوان «دشمن آشکار انسان» معرفی گردیده^۱ و حتی در یکی از آیات قرآن، خداوند متعال آنقدر بر دشمنی شیطان نسبت به انسان تأکید نموده که به آنها امر می‌نماید شیطان را دشمن خود بدانند.^۲ از مجموع آیاتی که در مورد شیطان نازل شده این‌گونه برداشت می‌گردد که خداوند انسان را از چنین دشمنی بهشدت بر حذر داشته و این تأکیدها می‌توانند نشان از زیاد بودن قدرت شیاطین باشد، تا آنجا که در آیه ۲۷ سوره اعراف، خداوند متعال پس از اینکه نسبت به فریب‌های شیطان هشدار می‌دهد، به ویژگی نامرئی بودن شیاطین - که عامل دشوارتر شدن مبارزه با آنهاست - اشاره می‌فرماید.^۳ اما در برابر تمام این دشمنی‌های شیطان و قدرت او در فریب انسان، تنها در یکی از آیات قرآن کریم خداوند متعال مکر و نیرنگ شیطان را ضعیف می‌انگارد:

الَّذِينَ آمُنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الْطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أُولَئِءَ الشَّيَاطِينَ إِنَّ كَيْدَ الشَّيَاطِينَ كَانَ ضَعِيفًا.^۴

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت، پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید؛ و از آنها نهارسید؛ زیرا که نقشه شیطان، همانند قدرتش ضعیف است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هنگامی که مسئله مبارزه با دوستان و پیروان شیطان در میان است،

-
۱. از جمله آنها: «... وَلَا تَتَبَعُوا حُطُولَاتِ الشَّيَاطِينَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ (بقره / ۱۶۸) «إِنَّمَا أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيَاطِينَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ». (بس / ۶۰)
 ۲. إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ (فاطر / ۶)
 ۳. إِنَّهُ يَرَكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْهُمْ (اعراف / ۲۷)
 ۴. نساء / ۷۶

خداؤند متعال مکر و فریب شیطان را – که بارها قوی جلوه داده بود – ضعیف می‌انگارد و این آیه تنها آیه‌ای در قرآن کریم است که در آن مکر و حیله شیطان ضعیف نشان داده شده است. گویا مبارزه با شیطان و دوستان او احتیاج به یک روحیه قوی دارد و نیاز است که دشمنان در چشم مسلمانان ضعیف جلوه داده شوند تا به وسیله تشجیع مؤمنان، به مقاتله با دوستان شیطان ترغیب گردد.^۱

امام باقر علیه السلام نیز در روایتی، با استفاده از همین شیوه و همچنین با استناد به همین آیه شریفه، أصحاب خود را به مبارزه با وسوسه‌های شیطان برمی‌انگیخت و می‌فرمود:

پس هرگاه شیطان با شما به ستیز در می‌آید، با آنچه می‌شناسید به او روی آورید که
«إنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا».

نمونه دوم: شیوه ضعیف انگاری دشمن در جریان غزوه بدر و تحریک مسلمانان برای شرکت در آن نیز مشاهده می‌گردد. با توجه به وقوع این غزوه در اوائل ظهور اسلام، مسلمانان از نظر نفر و تجهیزات نظامی در نهایت قلت بوده‌اند. طبق برخی نقل‌های تاریخی تعداد مسلمانان در جنگ بدر، سیصد و چند نفر سواره و عده‌ای پیاده ذکر شده است که در میان آنها فقط ۸۰ عدد شتر و یک اسب وجود داشت اما در مقابل مشرکین در نهایت فزونی نفر و تجهیزات جنگی بوده که تعداد آنها را قریب به ۱۰۰۰ نفر ذکر نموده‌اند.^۲ طبیعی است که مبارزه با گروهی که حدوداً سه برابر بیشتر بوده و از نظر تجهیزات نیز کامل ترند برای مسلمین دشوار به نظر می‌رسید و در نتیجه از انگیزه کافی برای شرکت در غزوه بدر برخوردار نبوده باشند.

اینجاست که خداوند متعال برای تقویت انگیزه آنها به جهت شرکت در کارزار بدر، در خواب، رؤیایی را به پیامبر نشان داده که در آن، تعداد مشرکین برای مبارزه با مسلمانان کم بوده است و در نتیجه پیامبر اکرم ﷺ نیز با تعریف این خواب برای مسلمین انگیزه آنها را نسبت به مبارزه با کفار تقویت نموده و این مبارزه دشوار را آسان انگارد:

إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَنَابِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَأَكُمْ كَثِيرًا لَفَشِلُوكُمْ وَلَتَنَازَعُوكُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِلَهُ عَلَيْمٌ بِذَاتِ الصَّدُورِ.^۳

در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را درخواب به تو کم نشان داد؛ و اگر آنان را فراوان

۱. فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، ج ۱، ص ۴۷۱؛ شبیر، *الجوهر الثمین*، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲. کلینی، *الكافی*، ج ۱، ص ۴۵.

۳. طبرسی، *إعلام الوری*، ج ۱، ص ۱۶۸.

۴. انفال / ۴۳.

نشان می‌داد، به یقین سست می‌شدید؛ و درباره شروع جنگ با آنها کارتان به اختلاف می‌کشید؛ ولی خداوند شما را از شرّ اینها سالم نگه داشت؛ خداوند به آنچه درون سینه‌هاست، دانست

همچنین در بیداری نیز در هنگام کارزار بدر، خداوند متعال تعداد مشرکین را در نظر مسلمانان کمتر از تعداد واقعی آنها نشان می‌داده است:

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذْ أَنْتَ قِيمٌ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيَقْلُلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا
وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ.^۱

و در آن هنگام که در میدان نبرد، با هم رو به رو شدید، آنها را در نظر شما کم نشان می‌داد؛ و شما را نیز در نظر آنها کم می‌نمود؛ تا خداوند، کاری را که می‌بایست انجام گیرد، تحقق بخشد؛ تا جنگ آغاز گردد و منتهی به شکست آنها شود و شکست بخورند! و همه امور به سوی خدا باز می‌گردد.

این کم نشان دادن تا آن حد بود که در نظر «ابن مسعود»، صحابی گران قدر پیامبر ﷺ، گروه ۱۰۰ نفره مشرکان، ۷۰ نفر جلوه می‌نمود.^۲ برخی از مفسرین نیز دلیل کم جلوه دادن نفرات مشرکین را توسط خداوند، جرئت یافتن مسلمین و تشجیع آنها به جهت شرکت در غزوه بدر دانسته اند.^۳ البته شایسته یادآوری است که اگر قدرت لشکر مؤمنان را با قدرت خداوند در نظر بگیریم صدها هزار لشکر دشمن، عددی به حساب نخواهند آمد. از این‌رو این قلیل جلوه دادن مشرکین، حقیقتی است که خداوند متعال به مؤمنان نشان داده است. نکته‌ای که در کاربست این شیوه بایستی بدان توجه نمود این است که آسان‌انگاری یکنون فریب و بیان خلاف واقعیت نیست بلکه آگاه نمودن مخاطب با واقعیات است؛ واقعیاتی که سبب آسانی انجام آن تکلیف گردید. در نتیجه شایسته است در هنگام استفاده از این شیوه در هریک از رفتارها، «دلیل آسان بودن» انجام آن تکلیف را برای رزم‌ندگان ذکر کنیم تا آنها با پشتونه منطقی و قانع‌کننده‌ای به سمت جهاد سوق داده شده و در نتیجه از سخن متكلم بوى فریب استشمام نگردد.

فراموش کردن دنیای فریبند

یکی از عواملی که می‌تواند اثر تضعیف‌کننده‌ی در مکانیزم انگیزشی رزم‌ندگان داشته باشد، وجود مظاهر

۱. انفال / ۴۴

۲. طبرسی، مجمع‌البيان، ج ۴، ص ۸۴۱

۳. همان، ص ۸۴۰؛ فیض کاشانی، تفسیروالصافی، ج ۲، ص ۳۰۶؛ طبری، جامع‌البيان، ج ۱۰، ص ۹.

فرいینده دنیاست که ياد آنها در ميدان جهاد می تواند سپاهيان اسلام را از مبارزه با دشمنان الهی باز دارد. امام سجاد^{علیه السلام} در دو فراز از دعای بيست و هفتم صحيفه سجاديه به اين عامل مهم انگيزشی اشاره می فرمائيند که شاید بتوان فراز دوم را یکی از مصاديق فراز اول دانست:

۱. وَأَئِسْهُمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دِيَارِهِمُ الْخَدَّاعَةِ الْغَرُورُ، وَأَمْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ حَطَرَاتِ الْمَالِ^١
الفتنون.

و در آن هنگام که با دشمن روبرو می شوند توجه به دنیای نيرنگ باز و گولزننده را از آنها دور کن و از دل هايشان فكر به ثروت فتنه انگيز را محو فرما.

۲. وَأَئِسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْأُلُودِ.^٢

ياد زن و فرزند را از دلش بيرون بر.

آنچه که يك رزمnde بايستی به آن توجه داشته باشد اين نیست که به خانواده خويش هيج محبتی در دل نداشته باشد بلکه آنچه مهم است تنظيم آن محبت است که در صورت افراطي بودن چنین محبت هايی سبب «وابستگي» رزمnde به مظاهر دنيا شده و او را از حرکت به سمت آخرت باز می دارد.

مسئله عدم تنظيم محبت در صدر اسلام نيز يکی از مشكلات مسلمین در ميدان های مبارزه با کفار بود. در برابر دستور پيکار با بت پرستان مکه، بهانه گروهي از مسلمانان که سبب تعلي آنها در اين مبارزه می شد اين بود که آنها فكر می کردنند که از يك سو در ميان مشرکان، خويشاوندان و بستگان نزديک آنها وجود دارند، گاهي پدر مسلمان شده و پسر در شرك باقی مانده، گاهي به عكس پسر راه توحيد را پيش گرفته و پدر همچنان در تاريکي شرك باقی مانده است. همچنین عده اى از کفار جزو خويشاوندان آنها بودند و اگر بنا شود با همه مشرکان پيکار کنند باید از خويشاوندان و قبيله خود نيز چشم پوشند! ازسوی ديگر سرمایه ها و تجارت آنان تا حد زیادی در دست مشرکان بود، با آمدوشد آنها به مکه، آن را رونق می بخشیدند و همچنین خانه های مرفة و نسبتاً آبادی در مکه داشتند که در صورت درگيري با مشرکان، ممکن بود به ويراني بکشد.^٣ از اين رو خداوند متعال در چنین جرياني به مسئله شدت و ضعف محبت و مقايسه چنین محبت هاي دنيوي با محبت هاي خدائي پرداخته و می فرماید:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَآبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالُ أَقْرَفُتُمُوهَا وَتَجَارَةُ
تَخْشُونَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْهُنَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجَهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا

١. الصحيفه السجاديه، ١٣٧٦، ص ١٢٦.

٢. همان، ص ١٣٠.

٣. مكارم شيرازي، تفسير نمونه، ج ٧، ص ٣٣١.

حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ.^۱

بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجاری که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمان بردار را هدایت نمی‌کند!

اما به جهت اینکه این محبت‌های دنیوی با تضعیف انگیزه رزمندگان در مسیر جهاد، مانع پرداختن به محبت‌های خدایی نگرددند یکی از بهترین راه‌ها، یقین داشتن به نقش خداوند در مقدار نمودن میزان روزی انسان‌ها و مدت عمر آدمی است. در روایات متعددی دو مقوله رزق و روزی انسان‌ها و نیز اجل و میزان عمر آدمی در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند که نمونه آنها روایتی از امیر المؤمنان علی^{علیہ السلام} است. از ایشان در مورد حتمی بودن روزی مقدار این گونه سؤال شده است: اگر شخصی در خانه‌ای محبوس گردد، روزی اش از کجا می‌رسد؟ امام علی^{علیہ السلام} در پاسخ فرمودند: از همان جا که مرگش فرامی‌رسد.^۲

اعتقاد به حتمی بودن رزق و روزی انسان‌ها و اینکه بنا بر برخی از آیات قرآن، زیادت و نقصان آن نیز مقدر شده و به دست خداست (اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْرُرُ)^۳ می‌تواند از حرارت دنیاگرایی و تلاش افراطی افراد نسبت به آن کاسته و جهاد در راه خدا را مانع در تحقق اهداف مادی خویش نداند. از سویی، ممکن است این تصور برای عده‌ای از رزمندگان پیش آید که میدان جنگ محل دوری از نزدیکان و نیز کشته شدن می‌باشد و در نتیجه ترس جدایی از همسر و فرزندان سبب سستی اراده رزمندگان شود، در این مورد نیز اعتقاد به اینکه اجل انسان مقدر بوده و اگر عمر انسان به پایان رسید تفاوتی در میدان جنگ یا وسط خانه نمی‌کند می‌تواند علاج این تضعیف انگیزه باشد. به همین جهت است که خداوند متعال در پاسخ کسانی که با واجب شدن جهاد، از شرکت در آن وحشت داشتند این آیه را نازل نمود:

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ^۴

هر جا باشید، مرگ شما را در می‌یابد؛ هر چند در برج‌های محکم باشید!

آری ممکن است کسی تصور کند شرایط مرگ انسان در میدان جنگ بیش از محیط‌های دیگر باشد درحالی که اجل کسی که در برج‌های مستحکم است با اجل کسی که در تیررس گلوله‌هast است از ابتدا

۱. توبه / ۲۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۵۶.

۳. خداوند روزی را برای هر که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند. (رعد / ۲۶)

۴. نساء / ۷۸.

نوشته شده و محیط‌های مختلف تفاوتی در رسیدن اجل انسان ایجاد نمی‌کند. چه بسیار جنگ‌آورانی چون علی بن ابی طالب^{علیه السلام} که در بسیاری از غروات و سرایای دشوار صدر اسلام شرکت نموده و حتی در کارزارهای سختی همچون احد جراحات شدیدی برداشت اما اجل ایشان فرا نرسیده و عمر گرامی ایشان برای خدمت بیشتر به اسلام باقی ماند.

نتیجه

با استقراء در آیات قرآن کریم، به این نتیجه می‌توان رسید که انگیزه‌سازی در مبارزات در برابر دشمنان الهی، تنها موردی است که در قرآن کریم، پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} به صورت مستقیم از خداوند فرمان گرفته است تا نسبت به آن اهتمام ورزد.

امام سجاد^{علیه السلام} در کتاب صحیفه سجادیه، آموزه‌های بسیاری را در قالب دعا بیان فرموده‌اند که بخشی از آنها در عرصه‌های جهاد و دفاع است که دعای بیست و هفتم آن نمونه برجسته‌ای از این آموزه‌های دفاعی است.

بخشی از آموزه‌های دفاعی امام سجاد^{علیه السلام} در این دعا پیرامون مسائل انگیزشی در میدان نبرد است که امروزه می‌توان از آن عوامل انگیزشی در تقویت انگیزه سپاهیان اسلام بهره‌مند گردید. با توجه به دعای بیست و هفتم، یکی از عوامل انگیزشی در رزمندگان، ایجاد یقین نسبت به پاداش‌های اخروی جهاد در قیامت است. صرف بیان وعده‌های الهی نمی‌تواند امید اثرگذاری آن را در بحبوحه جنگ داشته باشد بلکه آنچه که اراده راسخی در رزمندگان ایجاد می‌نماید، یقین به وعده‌های الهی در قیامت است.

نشانه‌های انسان‌های دارای یقین دو مؤلفه است: «عدم شک و تردید» و «آرامش قلبی» به مورد یقین. به منظور اثرگذاری بیشتر در شیوه انگیزشی «یقین نسبت به پاداش‌های اخروی» لازم است که بیان این ثواب‌ها با ذکر توصیفات زیبا و تصویرپردازی‌های هیجان‌انگیز همراه باشد.

«ضعیف‌انگاری دشمن» از دیگر عوامل تقویت‌کننده‌ی انگیزه در رزمندگان است که با کم نشان دادن تعداد دشمنان و نیز کوچک‌انگاری جایگاه آنان همراه است. این شیوه در آیات متعدد قرآن وجود داشته است. «ضعیف‌انگاری حیله شیطان» و «کم نشان دادن تعداد مشرکان» در برخی از جنگ‌ها بدر مانند نمونه قرآنی عملی شدن این شیوه است.

یکی دیگر از عوامل انگیزشی ذکر شده در دعای بیست و هفتم، «فراموش نمودن دنیای فربینده» در زمان جهاد است که یاد همسر و فرزندان مصادیقی از آن می‌باشد. یاد همسر و فرزندان می‌تواند سبب سستی اراده رزمندگان در میدان نبرد گردد.

اعتقاد به این مطلب که رزق و روزی انسان‌ها از ابتدا مقدر شده و به صورت حتمی به انسان خواهد رسید مانع حضور در میدان‌های نبرد نمی‌شود و اعتقاد به اینکه زیادت و نقصان رزق به دست خداست نمی‌تواند سبب کاهش رزق مادی انسان در جنگ باشد.

یکی از تصورات انسان‌های دارای همسر و فرزند که انگیزه او را نسبت به شرکت در جهاد می‌کاهند، دوری از خانواده، ترس از کشته شدن و درنتیجه جدایی از آنهاست که ایجاد این اعتقاد که اجل انسان‌ها نیز از ابتدا مقدر شده و بر اساس آیات قرآن، محیط‌هایی که انسان در آن حضور می‌یابد هرچند خطروناک باشد سبب تسريع اجل انسان نخواهد شد، می‌تواند با این عامل تضعیف کننده انگیزه جهاد مقابله نماید.

مجموع این عوامل انگیزشی در مدلی قابل نمایش است:



منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- نهج البالغه للصبحی صالح، محمد بن حسین شریف الرضی، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ق.
 ۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غیر الحکم و درر الكلم، قم، انتشارات دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
 ۳. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
 ۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
 ۵. شبّر، عبدالله، الجوهر الثمين فی تفسیر الكتاب المبين، کویت، شرکة مكتبة الالفين، ۱۴۰۷ ق.
 ۶. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

٧. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الورى بأعلام الهدى*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤١٧ق.
٨. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ١٣٧٢.
٩. طبری، محمد بن جریر، *جامع البيان في تفسير القرآن (تفسير الطبری)*، بیروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق.
١٠. عسکری، حسن بن عبدالله، *الفرقون في اللغة*، بیروت، دار الآفاق الجديدة، ١٤٠٠ق.
١١. *الصحيفة السجادية*، قم، دفتر نشر الهادی، ١٣٧٦.
١٢. فراهیدی، خلیل بن احمد، *كتاب العین*، قم، هجرت، ١٤٠٩ق.
١٣. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، قم، مکتبة الصدر، ١٤١٥ق.
١٤. کاویانی، محمد، *روان‌شناسی در قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٩٣.
١٥. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، تهران، انتشارات دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
١٦. مصطفوی، حسن، *التحقيق في کلمات القرآن التکریم*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٣٦٨.
١٧. معرفت، محمد‌هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، حوزه علمیه قم، ١٤١٠ق.
١٨. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، قم، دار الكتب الإسلامية، ١٣٧١.

